

دکتر تیبریوس راتا، عزرا- نحمیا

جلسه ۱۱، نحمیا ۱۱-۱۳

تیبریوس راتا و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر تیبریوس راتا و آموزه‌های او در مورد عزرا و نحمیا است. این جلسه ۱۱، نحمیا ۱۱-۱۳ است.

بسیار خوب، به پایان مطالعه عزرا و نحمیا می‌رسیم و قرار است به فصل‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۳ پردازیم.

در فصل ۱۱، به موضوع بازسازی جمعیت اورشلیم می‌پردازیم و این همان کاری است که فصل ۱۱ انجام می‌دهد. این فصل بر تقویت قدرت فیزیکی، انسانی و حکومتی اورشلیم تمرکز دارد. و جالب اینجاست که از اورشلیم به عنوان شهر مقدس یاد می‌شود.

دو آیه اول فصل ۱۱.

اکنون رهبران قوم در اورشلیم زندگی می‌کردند. و بقیه قوم قرعه انداختند تا از هر ده نفر، یک نفر در اورشلیم، شهر مقدس، ساکن شود، در حالی که از هر ده نفر، نه نفر در شهرهای دیگر باقی ماندند. ۲ و مردم همه مردانی را که داوطلبانه پیشنهاد زندگی در اورشلیم را می‌دادند، برکت می‌دادند.

هیچ کس نمی‌خواست در اورشلیم زندگی کند. باز هم، این بسیار عملی بود زیرا آنها می‌خواستند در شهرهای بیرون زندگی کنند، جایی که می‌توانستند محصولات کشاورزی بکارند، درختان میوه بکارند و در آنجا زندگی کنند. بنابراین، به نظر می‌رسد که رهبران در اورشلیم زندگی می‌کردند و سپس برای بقیه، باید قرعه می‌افتادند تا ببینند چه کسی در شهر زندگی خواهد کرد.

باز هم، این هنوز زمانی بود که قرعه‌کشی به عنوان اراده الهی دیده می‌شد. در عهد جدید پس از عطا روح القدس می‌بینیم که قرعه‌کشی دیگر راهی برای یافتن اراده خدا نیست. شهر در این زمان چقدر بزرگ بود؟ یامائوچی می‌گوید که جمعیت اورشلیم در زمان نحمیا به ۶۰۰۰ نفر کاهش یافته بود.

باز هم، خیلی منطقی به نظر می‌رسد. و سپس فصل ۱۱ با این تغییر جمعیت اورشلیم ادامه می‌یابد. و در اینجا در فصل ۱۱، فهرستی از افرادی داریم که اورشلیم را تغییر جمعیت دادند.

و دوباره، آیات ۳ تا ۹ به رهبران اشاره می‌کنند. آیات ۱۰ تا ۱۴ فهرست کاهنان را ذکر می‌کنند. آیات ۱۵ تا ۱۸ فهرست لایوان را.

و سپس آیات ۱۹ تا ۲۴، گروه‌های مختلف را دارید، مثلاً دربانان در آیه ۱۹. آیه ۲۱، خادمان معبد. آیه ۲۲، سرپرست لایوان، و غیره و غیره.

باز هم، این فقط یک ایده است تا ببینیم چه کسی اورشلیم را دوباره آباد کرد. آیات ۲۵ تا ۳۶ سپس به کسانی که در اورشلیم ساکن شدند می‌پردازد. و دوباره، اگر به اعداد فصل‌های ۷ و ۱۱ نگاه کنید، کسانی را می‌بینید که از اسارت بازگشتند، کمی بیش از ۳۰۰۰۰ نفر.

همچنین کسانی بودند که در اورشلیم ساکن شدند، برخی بیش از ۳۰۰۰ نفر. کتاب مقدس در مورد مسیر بئرشبع تا دره هنوم برای ترسیم مرزهای یهودا صحبت می‌کند. و البته، شهر اورشلیم در داخل دیوارهای شهر قرار داشت.

و سپس وقتی به فصل ۱۲ می‌رسیم، فهرست بیشتری از کاهنان و لایوانی داریم که از تبعید بازگشتند. و نه آیه اول فهرستی از نام‌های خانوادگی کاهنان و لایوانی را داریم که تحت رهبری زروبابل بازگشتند. و سپس در آیات ۱۰ و ۱۱ با فهرستی از کاهنان ادامه می‌دهیم.

این فهرست، بازه زمانی حدود ۱۰۰ سال را شامل می‌شود، از سال ۵۳۸ تا حدود ۴۰۰ قبل از میلاد. بنابراین فهرست کاهنان در اینجا در آیات ۱۱ با یوشع شروع می‌شود. سپس یواخیم، الیشیب و تا یوناتان را خواهید داشت.

اساساً، کاری که نویسنده اینجا انجام می‌دهد این است که کاهن اعظم را از یوشع به یوناتان متصل می‌کند. باز هم، حدود ۱۰۰ سال. حالا آیات ۱۲ تا ۲۱، این مربوط به رؤسای خانه‌های کاهنان است.

و سپس آیات ۲۲ تا ۲۶، لایوان بیشتری را در اینجا می‌بینید. باز هم، این فهرست قرار نیست جامع باشد، یا قرار نیست جامع باشد. وقتی به فصل ۲۷ می‌رسیم، به وقف دیوار شهر می‌رسیم.

شروع از آیه ۲۷،

و در هنگام تقدیس دیوار اورشلیم، لایوان را از همه جا جستجو کردند تا آنها را به اورشلیم بیاورند تا با ۲۷ شادی، شکرگزاری و سرود، با سنج، چنگ و بریط، این تقدیس را جشن بگیرند. ۲۸ و پسران سرایندگان از ناحیه اطراف اورشلیم و از روستاهای نطوفاتیان جمع شدند. ۲۹ همچنین از بیت‌جلجال و از ناحیه جبع و عزموت، زیرا سرایندگان برای خود روستاهایی در اطراف اورشلیم ساخته بودند. ۳۰ و کاهنان و لایوان خود را تطهیر کردند، و مردم و دروازه‌ها و دیوار را نیز تطهیر کردند. به ما گفته نشده است که از زمان بازسازی دیوار تا تقدیس آن چقدر زمان گذشته است. اما می‌دانیم که آنها در حال برنامه‌ریزی مراسم بودند، لایوان آنجا نبودند.

آنها کجا بودند؟ خب، ظاهراً آنها در اطراف شهر اورشلیم ساکن شده بودند، نه در اورشلیم. بنابراین، آنها مجبور بودند بیایند و آنها را برای جشن گرفتن، برای برنامه‌ریزی این جشن بزرگ، بیاورند. بخشی از جشن بود نیز تطهیر بود.

به ما گفته نشده است که چگونه این کار را انجام دادند، اما کاهنان و لایوان، همانطور که کتاب مقدس در اینجا می‌گوید، مردم، دروازه‌ها و دیوارها را تطهیر کردند. باز هم، به ما گفته نشده است که چگونه این کار را انجام دادند. آیه ۳۱، سپس رهبران یهودا را به بالای دیوار آوردم و دسته‌های بزرگی را برای سرودخوانی منصوب کردم و شکرگزاری نمودند.

گروه کر چیز غیرمعمولی نبود، چیز جدیدی نبود. داوود گروه‌های کر را در خدمت معبد تشکیل داد. اما حالا شما دو تا از آنها را داشتید، پس صحنه را تصور کنید.

یکی به سمت جنوب دیوار به سمت دروازه خاکروبه رفت و پس از آنها چند نفر رفتند. و سپس آنها را با آلات موسیقی داوود و مرد خدا فرستادید. و عزرا، کاتب، پیشاپیش آنها رفت.

در دروازه چشمه، آنها مستقیماً از پله‌های شهر داوود و دیوار صعود بالای خانه داوود به سمت دروازه آب در شرق، بالا رفتند. بنابراین، دو صف را تصور کنید. یکی به سمت جنوب و دیگری به سمت شمال به سمت دروازه خاکروبه می‌رفت.

نوازندگان شیپور داشتید ، آیه ۳۵. یک ارکستر متشکل از سازهای مختلف داشتید، آیه ۳۶

و این دسته توسط عزرا رهبری می شد. باز هم، هر دوی آنها در اینجا حضور دارند. هم عزرا و هم ارمیا معاصر هستند.

و سپس از آیه ۳۸، گروه سرود دیگری را داریم. در آن آمده است که

گروه سرود دیگر شکرگزاران به سمت شمال رفتند و به همراه نیمی دیگر از مردم، آنها را دنبال کردند. و خوانندگان با یزرعیل و رهبرشان سرود خواندند.

و قربانی های بزرگی تقدیم کردند که آنها را شادمان ساخت. زیرا خدا آنها را بسیار شادمان ساخته بود. زنان و کودکان نیز شادی کردند.

و من پایان آیه ۴۳ را دوست دارم. و شادی اورشلیم از دوردست ها شنیده شد «باز هم، این افراد می دانند، چگونه جشن بگیرند. آنها می دانند چگونه جشن بگیرند. و باز هم، به یاد داشته باشید، «شادی خداوند قوت شماست.» و اکنون شادی خداوند در حالی که آنها مراسم افتتاح معبد را جشن می گرفتند، آشکار بود.

چون آنها متوجه شدند و می دانستند که خدا به آنها در بازسازی کمک کرده است. ضمناً، از آیه ۴ به بعد، تصویری از دیوار نحمیا وجود دارد. باستان شناسان اخیراً کشف کرده اند

این بخش بازسازی شده است، اما این بخشی از اصل است. باز هم، به یاد داشته باشید، اگر معبد سلیمان را با این سنگ ها مقایسه کنید، ممکن است بگویید، خب، این خیلی مسئله ی مهمی نیست. اما ما شواهدی از وجود این دیوار در آنجا داریم.

به طور کلی، حدود ۸ فوت عرض داشت. و ارتفاع آن بسته به محل قرارگیری اش متفاوت بود. اما تا ۴۰ فوت هم می رسید.

بنابراین، شما این دیوار را داشتید، باز هم، باستان شناسان به ما اطمینان می دهند که این مربوط به زمان نحمیا است. و سپس، از آیه ۴۴، هدایای مراسم معبد را دارید.

در آن روز، مردانی بر انبارها، هدایا، اولین میوه ها و ده یک ها منصوب شدند تا آنها را به سهم های مقرر در قانون برای کاهنان و لاویان، بر اساس مزارع شهرها، جمع آوری کنند.

به یاد داشته باشید، لاویان قطعه زمینی دریافت نکردند. قرار بود آنها از هدایایی که به معبد آورده می شد، امرار معاش کنند. آیه ۴۵:

و آنها خدمت خدای خود و مراسم تطهیر را انجام می دادند، همانطور که خوانندگان و دربانان، طبق فرمان داوود و پسرش سلیمان انجام می دادند. ۴۶. زیرا مدت ها پیش در روزگار داوود، اکنون درس تاریخ می گیریم. این سنت سرودخوانی به کجا برمی گردد؟ زیرا مدت ها پیش در روزگار داوود و آساف، سرپرستان خوانندگان وجود داشتند و سرودهای ستایش و شکرگزاری برای خدا وجود داشت. ۴۷. و تمام اسرائیل در روزگار زروبابل و در روزگار نحمیا، سهم روزانه خوانندگان و دربانان را می دادند و آنچه را که برای لاویان بود، جدا می کردند و لاویان آنچه را که برای پسران هارون بود، جدا می کردند.

آنچه در اینجا می‌بینیم بازگشت به اطاعت از شریعت خدا بود. و این در نحوه برخورد آنها با هدایای معبد مشهود بود.

بنابراین، جشن شامل موسیقی بود، و جشن شامل تطهیر. در واقع، من به یاد دارم که این چیز جدیدی نبود. داوود و سلیمان در معبد نوازندگان و گروه کر داشتند.

اول تواریخ ۲۶:۲۳ جزئیات سازماندهی لایوان، کاهنان، دروازه‌بانان و نوازندگان را شرح می‌دهد. اما اکنون سازماندهی کارگران معبد از الگویی پیروی می‌کرد که داوود برای ما و سلیمان در دوم تواریخ ۸ به جا گذاشت. بنابراین، هر کاری که نحما انجام داد، از گذشته الگوبرداری شده بود.

و سپس در فصل ۱۳، شما یک اصلاحات دارید.

و این اصلاح به روش‌های مختلفی انجام می‌شود. خواهیم دید که اصلاح از طریق طرد، اخراج، سازماندهی رعایت روز سبت و جدایی از گناه انجام می‌شود. اول از همه، اصلاح از طریق طرد خیلی رایج نیست اما بسیار مهم است.

سه آیه اول فصل ۱۳.

در آن روز آنها کتاب موسی را در گوش مردم خواندند و نوشته شد که هیچ عمونی یا موآبی هرگز نباید وارد ۱ جماعت خدا شود، ۲ زیرا آنها قوم اسرائیل را با نان و آب استقبال نکردند، بلکه بلعام را علیه آنها اجیر کردند تا آنها را نفرین کند - اما خدای ما نفرین را به برکت تبدیل کرد. به محض اینکه مردم قانون را شنیدند، اسرائیل را از اسرائیل، همه کسانی که از تبار بیگانه بودند، جدا کردند.

باز هم، ما این انگیزه طرد را می‌بینیم. ممکن است بگویید، یک لحظه صبر کنید، خدا طردکننده است؟ پاسخ مثبت است. اگر در مورد آن فکر کنید، همه ادیان طردکننده هستند. در این مورد، آنها از کلام خدا در مورد طرد شدن از افرادی که پرستشگر یهوه نیستند، می‌فهمند.

باز هم، این چیز جدیدی نیست. این به زمان موسی برمی‌گردد. ازدواج با غیراسرائیلیان از زمان موسی خلاف قانون خدا بوده است، همانطور که در تثنیه فصل ۲۳ آمده است.

نه تنها از طریق طرد، اصلاح صورت می‌گیرد، بلکه از طریق اخراج نیز اصلاح صورت می‌گیرد. به آنچه در معبد اتفاق افتاد گوش دهید. الیاشیب کاهن، که بر حجره‌های خانه خدای ما منصوب شده بود و با طوبیا نسبت داشت، حجره بزرگی را برای طوبیا آماده کرد که قبلاً هدیه غله، کندر، ظروف و ده یک غله، شراب و روغن را که طبق فرمان به لایوان، سرایندگان و دربانان داده شده بود، و همچنین هدایای کاهنان را در آن قرار داده بودند.

در حالی که این اتفاق می‌افتاد، من در اورشلیم نبودم، زیرا در سال سی و دوم سلطنت اردشیر، پادشاه بابل اولین پادشاه بابل، نزد پادشاه رفتم. و پس از مدتی از پادشاه اجازه خواستم و به اورشلیم آمدم. و سپس از شرارتی که الیاشیب برای طوبیا انجام داده بود، با آماده کردن اتاقی برای او در حیاط خانه خدا، آگاه شدم.

من بسیار خشمگین شدم و تمام اثاثیه‌ی خانه‌ی طوبیا را از اتاق بیرون ریختم. سپس دستور دادم اتاق‌ها را تطهیر کنند. ظروف خانه‌ی خدا را به همراه هدایای آردی و کندر به آنجا برگرداندم.

طرح اولیه خیمه عبادت را به خاطر داشته باشید. بدیهی است که شما مکان مقدس و قدس الاقداس را داشتید. اکنون، هیچ کس نمی‌توانست آنجا زندگی کند.

باز هم، فقط کاهنان می‌توانستند به آنجا بروند. پس کجا آماده می‌شدند؟ آیا الیاشیب واقعاً جایی برای طوبیا داشت؟ طبق این متن، به نظر می‌رسد که احتمالاً در یکی از انبارهایی که در اطراف معبد قرار داشتند، بوده است. بنابراین، طبق این متن، انبارهایی وجود داشته است و انبارهایی برای قرار دادن غلات، شراب، روغن و چیزهای دیگر از این قبیل.

و ظاهراً، چون این افراد با هم فامیل هستند، الیاشیب در همان معبد خدا اطاقی برای طوبیا درست کرده است. نحمیا می‌گوید، این اشتباه است. اینجا جایی برای اسکان بی‌خانمان‌ها نیست.

ما نمی‌دانیم که آیا او بی‌خانمان بوده است یا نه. اما هر اتفاقی که اینجا بیفتد، شما کاری می‌کنید که پاک نیست. بنابراین، نحمیا باید کاری را انجام دهد که هر رهبری گاهی اوقات باید انجام دهد، یعنی انجام اصلاحات از طریق اخراج.

همانطور که از طریق طرد و اخراج می‌توان اصلاحاتی انجام داد، از طریق اخراج نیز می‌توان اصلاحاتی انجام داد. و نحمیا می‌خواست که آن اصلاحات پاک شوند. همچنین از طریق سازماندهی نیز می‌توان اصلاحاتی انجام داد که از آیه ۱۰ شروع می‌شود.

همچنین فهمیدم که سهم لاویان به ایشان داده نشده بود، بنابراین لاویان و سرایندگانی که کار را انجام ۱۰ می‌دادند، هر کدام به مزرعه خود گریخته بودند. ۱۱ پس با بزرگان قوم روبرو شدم و گفتم: «چرا خانه خدا متروک مانده است؟» و ایشان را گرد هم آوردم و در جایگاه‌هایشان نشاندم. ۱۲ آنگاه تمامی یهودا، ده یک غله، شراب و روغن را به انبارها آوردند. ۱۳ و من خزانه‌دارانی را بر انبارها گماشتم... و سپس نام‌ها داده می‌شوند.

زیرا آنها قابل اعتماد تلقی می‌شدند و وظیفه‌شان توزیع بین برادرانشان بود.

بنابراین نحمیا باید سازماندهی کند و برخی چیزها را سر جای خود قرار دهد. و سپس در آیه ۱۴، دوباره به خدا دعا می‌کند.

ای خدا، مرا در این مورد به یاد آور و اعمال نیک مرا که برای خانه خدایم و خدمت به او انجام داده‌ام، محو مکن.

چرا خانه خدا متروک شده است؟ این سوال نحمیا بود. این به غفلت از عملکرد صحیح معبد اشاره دارد.

ما از طریق حجی نبی به یاد پرسش خدا می‌افتیم: آیا وقت آن رسیده است که شما در خانه‌های چوبی خود ساکن شوید در حالی که این خانه ویران است؟ حجی ۱:۴ در حالی که در حجی پرسش بر جنبه فیزیکی معبد متمرکز بود، در نحمیا جنبه آیینی آن در اولویت قرار گرفت. آنها باید به شریعت خدا بازمی‌گشتند.

نوشته (RESTORATION) «شریعت، تورات. بنابراین در تدبیر الهی، کلمه «احیاء» به صورت «بازسازی» می‌شود. تورات در میانه بازسازی قرار دارد.

مرمت. تورات باید در این مرمت محوریت داشته باشد. و این کاری است که آنها انجام می‌دهند.

او دعا می‌کند، مرا به یاد داشته باش. او قبلاً هم این دعا را کرده بود. باز هم، این یک استعاره است.

خدا نمی‌بخشد. خدا نحما را فراموش نمی‌کند. خدا هیچ‌کس را فراموش نمی‌کند.

اما این یک استعاره است که حافظه خدا را با لوحی که اعمال نیک فرد بر آن ثبت شده است، مقایسه می‌کند. نحما دعا می‌کند که خدا لوحی را که کار نیک نحما برای معبد و آیین بر آن ثبت شده است، پاک نکند. و سپس از طریق رعایت روز سبت، اصلاحاتی صورت می‌گیرد.

به نظر می‌رسد که قوم خدا در زمانی که در تبعید بودند، واقعاً سبت را رعایت نمی‌کردند. و ما می‌دانیم که از اعمال آنها می‌بینیم که هنوز هم به آن ادامه می‌دهند. از آیه ۱۵ شروع می‌شود. و آنها را در روز سبت به مردم یهودا و خود اورشلیم فروختند.

من دستور دادم که در بسته شود و دستور دادم که تا بعد از سبت باز نشوند. و برخی از خدمتکارانم را در دروازه‌ها نگه داشتم تا در روز سبت باری وارد نشود. ۲۰ سپس بازرگانان و فروشندگان انواع کالاها یک یا دو بار در خارج از اورشلیم اقامت گزیدند. اما من به آنها هشدار دادم و گفتم، چرا در خارج از دیوار اقامت می‌کنید؟ اگر دوباره این کار را انجام دهید، شما را دستگیر خواهیم کرد. از آن زمان به بعد، آنها در روز سبت نیامدند.

سپس به لاویان دستور دادم که خود را تطهیر کنند و بیایند و از دروازه‌ها محافظت کنند تا روز سبت را مقدس نگه دارند.

و سپس دوباره، نحما دعا می‌کند: ۲۲ این را نیز به خاطر من به یاد داشته باش. ای خدای من، و بر اساس عظمت عشق پایداریت مرا عفو کن.

ببینید، در اشتیاق مردم برای بازسازی از طریق تجارت، آنها قانون خدا را که گفته بود باید سبت را نگه دارید، نادیده گرفتند. در واقع، وقتی تواریخ را می‌خوانیم، می‌دانیم که یکی از دلایلی که خدا آنها را به تبعید برد این بود که آنها سبت را نگه نداشتند. خدا می‌گوید شما سبت مرا نگه نداشتید.

و در این مورد، می‌بینیم که از دروازه‌های ماهی رفت و آمد وجود دارد، جایی که مردم ماهی و سایر کالاها را وارد می‌کردند. اما رعایت روز سبت به یک دلیل بسیار مهم انجام می‌شد. خدا در فرمان چهارم می‌گوید: روز سبت را مقدس نگه دارید.

روز سبت برای دو هدف بود، برای استراحت و برای عبادت. خیلی از مردم می‌گویند، خب، می‌دانید، من از روز سبت برای خوابیدن استفاده می‌کنم. شما نکته را از دست داده‌اید.

خب، شما نیمی از نکته را از دست داده‌اید. این برای استراحت است، اما همچنین برای عبادت نیز هست. روز سبت را گرامی بدارید تا آن را تقدیس کنید، آن را مقدس نگه دارید.

و در این مورد، آنها این کار را نمی‌کردند. و نحما باید اصلاحاتی انجام دهد و باید به مردم یادآوری کند که باید روز سبت را رعایت کنند، اما به این دلیل که این قانون خداست. نحما فرمان را به دست می‌گیرد و اوضاع تغییر می‌کند.

و سپس آخرین اصلاح وجود دارد. اصلاح از طریق جدایی از گناه. دوباره، مسئله ازدواج با افراد دیگر مطرح می‌شود.

از آیه ۲۳ شروع می‌کنم. حالا می‌خواهم اینجا به یک نکته اشاره کنم. این متنی نیست که بگویند، وای، نحما را رهبر بزرگی بود. من هم همین کار را می‌کنم. نه، نه، نه. این متن تجویزی نیست.

این توصیفی است. اگر در مورد آن فکر کنید، به یاد دارید که عزرا چگونه با این موضوع برخورد کرد؟ عزرا گریه کرد و گریه کرد و زانو زد و برای مردم گریه کرد. به نظر می‌رسد سبک رهبری نحما متفاوت است و برای ما نیست که از آن پیروی کنیم.

نحما با آنها روبرو شد، آنها را نفرین کرد و برخی از آنها را کتک زد و موهایشان را کند. و من آنها را وادار کردم که به نام خدا یادداشتی بنویسند و بگویند: دختران خود را به پسران آنها ندهید و دختران آنها را برای پسران خود یا برای خودتان نگیرید. با این حال، توصیف تند نحما باید به ما بیاموزد که باید خدا را جدی بگیریم.

این باید برای ما درس عبرتی باشد. اما به یاد داشته باشید، رویکرد او با رویکرد عزرا متفاوت است. و ما قرار نیست این را عیناً و عیناً از قانون پیروی کنیم.

در آیات ۲۶ تا ۲۷، او به درسی از تاریخ اشاره می‌کند. و از سلیمان استفاده می‌کند. آیا سلیمان، پادشاه اسرائیل، به خاطر چنین زنانی گناه نکرد؟ در میان بسیاری از ملت‌ها، پادشاهی مانند او وجود نداشت.

و او محبوب خدا بود. و خدا او را پادشاه تمام اسرائیل ساخت. با این وجود، زنان بیگانه او را به گناه انداختند.

آیا ما به حرف شما گوش خواهیم داد و مرتکب این شرارت بزرگ خواهیم شد و با ازدواج با زنان بیگانه به خدای خود خیانت خواهیم کرد؟ نحما برای تقویت نکته خود، از مثالی از تاریخ استفاده می‌کند. از تاریخی که آنها می‌دانستند. و آنها درباره سلیمان می‌دانستند.

و در واقع، سلیمان محبوب خدا بود. کتاب مقدس حتی می‌گوید که او پدیدیا نام داشت، به معنی محبوب خداوند.

اگر اول پادشاهان را بخوانید، او بزرگترین و خردمندترین مرد بود. اما کتاب مقدس همچنین می‌گوید که همسرانش قلب او را به دنبال خدایان دیگر برگرداندند. اول پادشاهان ۱۱ آیه ۴، و قلب او برای خداوند خدایش، مقدس نبود.

عمل ازدواج با زنان بت‌پرست، عملی شیطانی و خیانت‌آمیز توصیف می‌شد. و این گناهی علیه فرهنگ و اجداد فرد نیست. این گناه علیه خود خدا بود.

آیه ۲۸، و یکی از پسران یهوایی دا، پسر الیاشیب کاهن اعظم، داماد سنبلط حورونی بود. بنابراین او را از خود راندم. اگرچه به نظر می‌رسد نحما از نزدیک با الیاشیب کاهن اعظم همکاری می‌کرده است.

ظاهراً الیاشیب خود را با طوبیا مرتبط می‌دانست. طبق نحما ۱۳:۴. اما نوه الیاشیب با زنی بت‌پرست ازدواج کرده بود. چیزی که اوضاع را برای این یکی بدتر کرد، دختر سنبلط حورونی بود.

یکی از بزرگترین دشمنان نحما را به یاد داشته باشید. نحما این نواده قانون شکن الیاشیب را از جامعه یهود اخراج کرد. کتاب چگونه به پایان می‌رسد؟ کتاب دوباره با دعای «مرا به یاد آور» به پایان می‌رسد.

در کتاب نحمیا چهار بار آمده است که نحمیا می‌گوید، مرا به یاد داشته باشید. مرا به یاد داشته باشید. و آخرین مورد در پایان فصل ۱۳ آمده است.

پیش از آنکه بگویم مرا به یاد آور، می‌گویم ایشان را به یاد آور. ای خدای من، ایشان را به یاد آور، زیرا کههانت و عهد کههانت و لاویان را بی‌حرمت کرده‌اند. بدین‌سان، ایشان را از هر چیز بیگانه پاک ساختم.

من وظایف کاهنان و لاویان را برای هر کس تعیین کردم. و برای هدیه هیزم در زمان‌های معین و برای نوبر محصولات، تدارک دیدم. ای خدای من، مرا به نیکی یاد کن.

شما اینجا تضادی بین نحمیا و این افرادی که به مقام کاهنی بی‌احترامی می‌کنند می‌بینید. نحمیا می‌خواهد نسبت به شریعت خدا پاک بماند. و به همین دلیل است که اگر به نحمیا نگاه کنید، او با دعا شروع می‌کند.

نحمیا با دعا به پایان می‌رسد. مرا به یاد داشته باش. او می‌گوید آنها را به یاد داشته باش.

سپس می‌گوید مرا به خاطر بسپار. فنشام تفسیر خود را با این جمله به پایان می‌رساند: «دوران جدیدی از عبادت یهودی آغاز شده است. عبادت بر اساس اصول قانونی مقرر».

تنها با آمدن مسیح و تفسیر آمدن او توسط پولس بود که دوره دیگری آغاز شد که در آن بار قانونی از دوش بشریت برداشته شد و مرکز دین در رنج نیابتی او بر روی صلیب قرار گرفت. این دوره جدید ایمان و عشق به عیسی مسیح است. بنابراین، به عنوان یک موضوع کاربردی، مهم است که به کتاب‌های عزرا و نحمیا نگاهی بیندازیم و بفهمیم کدام بخش‌ها توصیفی و کدام بخش‌ها تجویزی هستند.

یک بار کشیشی داشتم که به من گفت، خب، من باب ۸ نحمیا را گرفتم و از آن به عنوان یک طرح کلی برای مراسممان استفاده کردم. این عالی است، اما مطمئن نیستم که هدف آن متن همین بوده باشد. به یاد داشته باشید، نحمیا در نحوه برخورد با مردم خشن بود.

کشیش امروزی نمی‌تواند جماعت را کتک بزند، موهایشان را بکند چون گناه کرده‌اند، مهم نیست آن گناه چه باشد. اما باید به اصولی که اینجا داریم نگاه کنیم. اصول واضح هستند.

خداوند می‌خواهد قومش جدا شده و زندگی مقدسی داشته باشند. رهبران خدا باید اطمینان حاصل کنند که کلام خدا برتری دارد و کلام خداست که عمل مؤمن برای ایمان و عمل است. اما در نهایت، عزرا و نحمیا به آمدن رهبر واقعی، شخص عیسی مسیح که برای گناهان ما مرد و الگویی برای ما قرار داد که باید از او پیروی کنیم، اشاره می‌کنند.

این فراخوان عیسی بود. از من پیروی کنید. و در انجیل‌ها واضح است که شاگرد عیسی مسیح کسی است که در راه، از عیسی پیروی می‌کند.

و ما فراخوانده شده‌ایم تا از او پیروی کنیم. و ما فراخوانده شده‌ایم تا مانند عزرا و نحمیا به سخنان او وفادار باشیم.

این دکتر تیبریوس راتا و تعلیماتش در مورد عزرا و نحمیا است. این جلسه ۱۱، نحمیا ۱۱-۱۳ است.